

قهرمانی تاریخی تیم ملی
 وزنه‌برداری جوانان ایران در جهان
پولادبچه‌ها



تیم ملی وزنه‌برداری جوانان ایران برگ زرینی به دفتر افتخارات ورزش کشور افزود و با عملکردی درخشان در رقابت‌های قهرمانی نوجوانان و جوانان جهان در لیما، پایتخت پرو، عنوان قهرمانی این دوره را با اقتدار به دست آورد. این رویداد که از دهم اردیبهشت آغاز شده بود، با درخشش مثال‌زدنی کاروان ایران همراه شده افتخاری که با کسب مجموع ۱۰ مدال طلا، ۹ نقره و ۵ برنز رقم خورد و ایران را به صدر جدول رده‌بندی تیمی رساند.

درخشش کاروان ایران تنها به یک یا ۲ چهره خاص محدود نبود، بلکه تیمی یکدست متشکل از استعدادهای نوظهور و آینده‌دار، با عملکردی مثال‌زدنی، بار دیگر قدرت وزنه‌برداری ایران در رده‌های پایه را به رخ جهانیان کشید. از نوجوانان تا جوانان، از دسته‌های سبک تا فوق سنگین، هر وزنه‌بردار ایرانی چیزی برای افتخار آفرینی در چننه داشت.

در میان دختران نوجوان، آلما حسینی در دسته ۶۴ کیلوگرم با رکورد ۱۹۷ کیلوگرم در مجموع، به مدال نقره و برنز دست یافت و گامی ارزشمند در مسیر رشد وزنه‌برداری بانوان ایران برداشت. در رقابت‌های پسران، ایلپا صالحی‌پور در دسته ۸۱ کیلوگرم با ۱۹۵ کیلوگرم در دوزرب به مدال برنز رسید.

در دسته ۹۶ کیلوگرم، رقابت جذابی میان ۲ نماینده ایران یعنی امیرحسین سبیه و حمیدرضا زارعی شاهد بودیم. سبیه با ثبت رکوردهای ۱۶۵، ۱۹۹ و ۳۶۴ کیلوگرم در یک‌ضرب، دوزرب و مجموع به ترتیب ۲ مدال برنز و یک نقره کسب کرد، در حالی که زارعی با ۲۰۳ کیلوگرم در دوزرب به مدال طلا رسید.

ابوالفضل زارع در دسته ۱۰۲ کیلوگرم عملکردی درخشان داشت؛ او در یک‌ضرب با ۱۷۶ کیلوگرم قهرمان شد و در دوزرب و مجموع نیز به ۲ مدال نقره دیگر دست یافت. در دسته فوق‌سنگین نوجوانان (۱۰۲+ کیلوگرم)، حسین یزدانی چهره‌ای شاخص و تحسین‌برانگیز بود. او با کسب ۲ مدال طلا در دوزرب و مجموع و یک برنز در یک‌ضرب، عنوان قوی‌ترین نوجوان جهان را از آن خود کرد؛ افتخاری که آینده‌ای درخشان را برای او نوید می‌دهد.

علیرضا نصیری دیگر ستاره مسابقات بود که توانست از عنوان قهرمانی خود در دسته ۱۰۹ کیلوگرم دفاع کند. او با رکوردهای ۱۸۰ کیلوگرم در یک‌ضرب، ۲۲۰ در دوزرب و مجموع ۴۰۰ کیلوگرم، هر ۳ مدال طلا را کسب کرد. فرهاد قلی‌زاده، دیگر نماینده ایران در همین دسته نیز خوش درخشید و با رکورد ۲۰۵ کیلوگرم در دوزرب به نقره دست یافت؛ او در مجموع نیز با ۳۷۰ کیلوگرم نایب‌قهرمان شد.

اما نقطه اوج مسابقات، رقابت ۲ غول وزنه‌برداری ایران در دسته ۱۰۹ کیلوگرم بود. حمیدرضا محمدی و طها نعمتی توانستند هیجان این رقابت را به اوج برسانند. محمدی با ثبت رکوردهای ۱۸۱، ۲۱۳ و ۳۹۴ کیلوگرم، ۳ مدال طلا را کسب کرد. نعمتی نیز با عملکردی درخشان، تنها با اختلاف جزئی، ۳ مدال نقره را از آن خود کرد.

■ **نوشیروانی؛ بچه‌ها غیرتی کار کردند**

پس از این قهرمانی پرافتخار، سجاد انوشیروانی، رئیس فدراسیون وزنه‌برداری ضمن تحسین تلاش وزنه‌برداران جوان کشور، از عملکرد غیرتی آنها سخن گفت و تأکید کرد حسین یزدانی یکی از سرمایه‌های مهم آینده وزنه‌برداری ایران است. او با اشاره به روحیه جنگندگی یزدانی، اعلام کرد برنامه‌ریزی دقیقی برای پرورش استعدادهایی مانند او در دستور کار فدراسیون قرار دارد.

■ **یزدانی؛ رویای قهرمانی المپیک دارم**

حسین یزدانی، قهرمان نوجوانان جهان نیز پس از کسب مدال طلا با بیان اینکه از مشکین‌شهر استان اردبیل به تیم ملی رسیده، از سختی مسابقات گفت و افزود با روحیه و تمرکز بالا توانسته نتیجه‌ای عالی رقم بزند. او با قدردانی از خانواده و مربیانش، اعلام کرد سجاد انوشیروانی الگویی برای اوست و رویای قهرمانی در المپیک را در سر دارد.

قهرمانی تیم ایران در رقابت‌های جهانی لیما، نه‌تنها نشانه‌ای از استمرار قدرت ایران در وزنه‌برداری، بلکه گواهی بر سرمایه‌گذاری صحیح در رده‌های پایه و وجود زیرساخت‌های فنی و انسانی کارآمد است. حال، این افتخار می‌تواند انگیزه‌ای برای مسؤولان، مربیان و نوجوانان دیگر کشورمان باشد تا مسیر پیشرفت و قهرمانی در ورزش را با جدیت بیشتری دنبال کنند.

این قهرمانی، امیدها را برای درخشش در المپیک‌های آتی زنده کرد؛ آینده‌ای که با ستارگانی همچون یزدانی، نصیری و محمدی، به نظر روشن و پرافتخار می‌رسد. تیم ملی جوانان ایران با این دستاورد نشان داد آینده وزنه‌برداری کشور همچنان در دستان توانمند و اراده‌های پولادین نسل تازه است.

کدام تیم سقوط می‌کند، کدام تیم سهمیه آسیا می‌گیرد؟

جست‌وجو در احتمالات

۲ هفته پیشتر به پایان لیگ برتر نمانده اما هنوز بوی دود از زمین بلند است. جام قهرمانی را تراکتور، با یبختی که سال‌ها روی لب نداشت، بالا خواهد برد و در سوی دیگر میدان، هوادار تهران را چمدانی سبک، راهی لیگ آزادگان شد. حالا نوبت آن است که سرنوشت ۲ قطعه پازل دیگر روشن شود؛ یکی، تیم دومی که سقوط می‌کند و دیگری، آنکه در جیبش بلیت آسیایی دارد اما هنوز سوار هواپیما نشده.

برسیم به پرسپولیس؛ تیمی که نه از جام خبری شد، نه از جامه قهرمانی. نه در لیگ، نه در جام حذفی، نه در آسیا و نه حتی در خیال هوادارانش، رنگ روزهای خوش را ندید اما در فوتبال ایران، حتی مرده هم گاهی امید زنده شدن دارد. ماجرا از این قرار است که پرسپولیس با چند سناریو و یک مشت اتفاق جورواجور، هنوز یک شانس کوچک برای آسیا دارد، البته اگر همه عوامل کپهانی دست به دست هم دهند.

■ **بیاپید جدول را بخوانیم، مثل فال قهوه**

نساجی با طنابی پوسیده در لبه پرتگاه ایستاده. این تیم اگر در ۲ هفته آینده معجزه نکند، با لیگ برتر خداحافظی خواهد کرد. فقط کافی است مس رفتنجان از ۲ بازی پیش رو یک امتیاز بگیرد؛ آن وقت نساجی، حتی اگر در بازی‌هایش بال درآورد هم کاری از پیش نمی‌برد. حالا در

پرسیم به پرسپولیس؛ تیمی که نه از جام خبری شد، نه از جامه قهرمانی. نه در لیگ، نه در جام حذفی، نه در آسیا و نه حتی در خیال هوادارانش، رنگ روزهای خوش را ندید اما در فوتبال ایران، حتی مرده هم گاهی امید زنده شدن دارد. ماجرا از این قرار است که پرسپولیس با چند سناریو و یک مشت اتفاق جورواجور، هنوز یک شانس کوچک برای آسیا دارد، البته اگر همه عوامل کپهانی دست به دست هم دهند.

■ **بیاپید جدول را بخوانیم، مثل فال قهوه**

نساجی با طنابی پوسیده در لبه پرتگاه ایستاده. این تیم اگر در ۲ هفته آینده معجزه نکند، با لیگ برتر خداحافظی خواهد کرد. فقط کافی است مس رفتنجان از ۲ بازی پیش رو یک امتیاز بگیرد؛ آن وقت نساجی، حتی اگر در بازی‌هایش بال درآورد هم کاری از پیش نمی‌برد. حالا در

شامگاه دوشنبه، بسکتبال ایران در گرگان شاهد یکی از پرحادثه‌ترین و پر تنش‌ترین فینال‌های خود بود. جایی که تیم شهرداری گرگان، با عبور از کوهی از اضطراب، فشار جمعیت و ۲ وقت اضافه، موفق شد تیم جسور طبیعت‌اسلاشهر را باحساب ۹۸ بر ۹۵ شکست دهد و جام قهرمانی لیگ برتر را در خانه و مقابل انبوه تماشاگران به آغوش بکشد.

این سومین بازی سری فینال‌های لیگ برتر بسکتبال بود؛ مسابقه‌ای که اگر چه قرار بود ساعت ۱۶ آغاز شود اما ازدحام بی‌سابقه در بیرون و درون سالن امام خمینی گرگان، آن را به ساعت ۱۸ موکول کرد. تاخیر و هیجان، تنها شروع ماجرای بود

شامگاه دوشنبه، بسکتبال ایران در گرگان شاهد یکی از پرحادثه‌ترین و پر تنش‌ترین فینال‌های خود بود. جایی که تیم شهرداری گرگان، با عبور از کوهی از اضطراب، فشار جمعیت و ۲ وقت اضافه، موفق شد تیم جسور طبیعت‌اسلاشهر را باحساب ۹۸ بر ۹۵ شکست دهد و جام قهرمانی لیگ برتر را در خانه و مقابل انبوه تماشاگران به آغوش بکشد.

این سومین بازی سری فینال‌های لیگ برتر بسکتبال بود؛ مسابقه‌ای که اگر چه قرار بود ساعت ۱۶ آغاز شود اما ازدحام بی‌سابقه در بیرون و درون سالن امام خمینی گرگان، آن را به ساعت ۱۸ موکول کرد. تاخیر و هیجان، تنها شروع ماجرای بود

تهران، اردیبهشت. تیمی که قرار بود قهرمان باشد، حالا توی دفتر حسابداری‌اش دنبال دلار فیفا می‌گردد، پرسپولیس، تیمی که روزی هوادارش بازیکن میلیونی را با لبخند بدرقه می‌کرد، حالا مانند پای ماشین‌حساب، مساله؟ یک دروازه‌بان خارجی به اسم «الکسی گندوز» و این پرسش حیاتی: «گنesh داریم که پول فیفا را بگیریم یا ردش کنیم بره بی کارش؟»

داستان از جایی شروع شد که پرسپولیس امسال از همان اول مثل ماشین کارواش در روز بارانی بود. پرسر و صدا، ولی بی‌فایده جامی نگرفت، سهمیه‌اش هم روی هواست و حالا با چشمانی خسته و ذهنی مغشوش، زودتر از همیشه سراف فصل بعد رفته است. در این میان، اسماعیل کارتال که از نیمکت پرسپولیس بیشتر یک صندلی ماساژ بی‌برق دیده، یک تصمیم عجیب دارد: دنبال دروازه‌بان جدید است. دلیلش؟ ساده. از نظر او، گندوز بیشتر یک خرج غیر ضروری است تا یک سرمایه. سهمیه خارجی را گرفته اما دروازه را نگرفته! حالا هم خبر رسیده دل کارتال برای «سیدید نیازمند» می‌تپد؛ مردی که دروازش را مثل صندوق پس‌انداز بسته نگه می‌دارد. ولسی خب! اینکه بخواهی گندوز را کنار بگذاری، کار ساده‌ای نیست.

■ **گندوز؛ گران، بی‌ثبات و ۳ ساله!**

الکسی گندوز با قراردادی ۳ ساله آمده؛ سال اولش ۴۵۰ هزار دلار گرفته، امسال می‌رسد به ۵۵۰ هزار دلار، قراردادش هنوز

رأس جدول، سپاهان ایستاده، نقره‌ای و محتاط. فعلاً تیم دوم است و اگر ۲ بازی آینده‌اش را ببرد، بدون توجه به سرنوشت پرسپولیس، آسیایی خواهد شد. سپاهان یک بازی ساده مقابل هوادار دارد، تیمی که همین حالا در آسانسور لیگ پایین رفته و دستش را برای خداحافظی تکان می‌دهد اما بازی دوم‌شان با استقلال است، در دل یک جنگ قدیمی. اگر سپاهان در این نبرد ناکام شود، آن وقت معادلات پیچ می‌خورد، درست مثل جدول ضرب دوران دبستان.

■ **پرسپولیس و معجزه‌ای به رنگ آبی**
 حالا بیاپید درباره پرسپولیس حرف بزنیم؛ تیمی که فصل را با نام مدافع قهرمانی آغاز کرد اما حالا با پرونده‌ای خالصی به نیمکت تکیه زده. تنها راه رسیدن این تیم به

آسیا، عبور از لابه‌لای نتایج رقیاست. اول از همه، باید هر ۲ بازی آینده‌اش را ببرد؛ کار آسانی نیست اما شدنی است. بعدش چشم بدوزد به دیدار استقلال و سپاهان، جایی که تنها امید پرسپولیس، در ساق بازیکنان رقیب سنتی‌اش، استقلال، پنهان شده.

بله! پرسپولیس برای صعود به آسیا، نیاز دارد استقلال در هفته آخر، سپاهان را شکست دهد. این یعنی تقدیر

تیم بسکتبال شهر داری گرگان در پایان یک فینال نفسگیر و پرحادثه، از سد طبیعت گذشت

گرگان، قلعه بسکتبال ایران

که در ادامه با پرش تماشاگران به زمین، تکرار پرتاب‌های پالتی و توقف‌های مکرر، فینالی کلاسیک و فراتر از بسکتبال را رقم زد. بازی از همان ابتدا نشانه‌هایی از یک جدال نفسگیر داشت. کوارتر اول با برتری ۲۳ بر ۲۰ شهرداری تمام شد اما در کوارتر دوم این شاگردان مهران شاهین‌طبع در تیم طبیعت بودند که با جسارت و نظم، بازی را به تساوی کشاندند و نیمه نخست را با برتری ۴۱ بر ۳۷ به سود خود به پایان بردند.

در کوارتر سوم، اسلامشهری‌ها با اختلاف ۱۰ امتیاز جلو افتادند و این برتری را تا حدی حفظ کردند. اما شاگردان صالح مخدومی در کوارتر چهارم با حملاتی برقی‌آسا، اختلاف را جبران کردند. در حالی که تنها چند ثانیه به پایان بازی مانده بود، گرگانی‌ها با یک توپ‌ریایی هوشمندانه ۷۶ بر ۷۴ پیش افتادند اما تیم طبیعت به ۲ پرتاب پالتی از لمون، بازی را به تساوی

پرسپولیس به پای استقلال گره خورده. چه کنایه‌های غریبی دارد این فوتبال؛ تیمی که سال‌هاست داربی را با خون و غرور می‌برد، حالا باید برای رسیدن به

آرزوهایش، دست به

دعا برای پیروزی

آبی‌ها شود!

■ **ماجرای ملوان، تیمی**

از شمال با نگاه به شرق

در این بازی هزار و یک شانس، نقش جام حذفی هم مهم است. ۴ تیم در نیمه‌نهایی‌اند: استقلال، ملوان، گل‌گهر و صنعت نفت. اگر ملوان – بله! همان تیم بندرتنشین – جام حذفی را فتح کند، آن وقت داستان وارد فاز تازه‌ای می‌شود. چون ملوان، مجوز حرفه‌ای ندارد؛ هر قدر هم قهرمان شود، نمی‌تواند در آسیا بازی کند. این یعنی سهمیه‌اش باطل می‌شود و طبق مقررات، به تیم سوم لیگ برتر می‌رسد.

در نهایت، ماجرا این است: سرنوشت پرسپولیس دیگر دست خودش نیست فقط باید برود و دعا کند. دعا برای برد استقلال، دعا برای قهرمانی ملوان، دعا برای شکست سپاهان و دعا برای اینکه کمیته‌های داخلی و خارجی، طبق قانون همه چیز دقیقه ۹۰ حل یا پیچیده می‌شود. پس تا زمانی که سوت پایان فصل به صدا درنماید، هیچ چیز قطعی نیست.

■ **پایان‌بندی؛ به شرط معجزه**
 در نهایت، ماجرا این است: سرنوشت پرسپولیس دیگر دست خودش نیست فقط باید برود و دعا کند. دعا برای برد استقلال، دعا برای قهرمانی ملوان، دعا برای شکست سپاهان و دعا برای اینکه کمیته‌های داخلی و خارجی، طبق قانون همه چیز دقیقه ۹۰ حل یا پیچیده می‌شود. پس تا زمانی که سوت پایان فصل به صدا درنماید، هیچ چیز قطعی نیست.

کشانند و کار به وقت اضافه اول رفت. در وقت اضافه اول، هیچ‌کدام از ۲ تیم حاضر نبودند از پایفتند و نتیجه مساوی ۸۵ – ۸۵ آن را به وقت اضافه دوم کشاند. نهایتاً این تیم شهرداری گرگان بود که با تجربه‌تر و منسجم‌تر ظاهر شد و با نتیجه ۹۸ بر ۹۵ پیروز شد. این سومین برد متوالی گرگانی‌ها در فینال بود که باعث شد سری را ۳ بر صفر به سود خود پایان دهند و برای چهارمین بار، بر قله بسکتبال ایران بایستند.

این برای نشان داد بسکتبال ایران، علاوه بر نیاز به بازیکنان حرفه‌ای، به سازماندهی حرفه‌ای‌تر در بخش تماشاگران و امنیت مسابقات نیز نیاز دارد. آنچه در گرگان گذشت، فقط یک مسابقه نبود؛ فشرده‌ای از شور، بی‌نظمی، نفسگیری و غرور بود که در نهایت با بالا رفتن جام توسط گرگانی‌ها، نقطه پایان خورد. اما سوالات و تأمل‌ها، تازه آغاز شده‌اند.

بررسی پرونده گندوز و پاداش ۲۵۰ هزار دلاری احتمالی از فیفا

معمای دروازه

روز در مسابقات بماند، پرسپولیس می‌تواند تا ۲۲۰ هزار دلار پاداش بگیرد. البته فقط در صورتی که گندوز در باشگاه بماند. ماجرا جذاب‌تر هم می‌شود؛ چون فیفا پول را بر اساس حضور بازیکن در باشگاه‌های مختلف طی ۲ سال گذشته تقسیم می‌کند؛ اگر گندوز فصل آینده هم در پرسپولیس بماند، تمام سهمیه این پول به جیب پرسپولیس می‌رود. یعنی در بهترین سناریو، ۲۵۰ هزار دلار سود.

■ **اما حسابداری فوتبال مثل حسابداری سوپرمارکت نیست**

اینجا تناقض‌آمیز آغاز می‌شود. شما ۵۵۰ هزار دلار برای بازیکنی هزینه می‌کنی، که شاید فقط ۲۵۰ هزار دلار برایت برگرداند. یعنی باشگاه باز هم ۳۰۰ هزار دلار ضرر کرده. حالا فرض کنيد یک دروازه‌بان جدید بیايد که خودش هم

تیم سوم کیست؟ بله! باز هم پرسپولیس. اینجاست که یک عنوان سوم هم می‌تواند بلیت پرواز به آسیا شود ولی اینجا هم پرسپولیس هیچ نقشی ندارد. نه در گرفتن جام، نه در گرفتن مجوز، نه در برد و نه در باخت. فقط باید بنشینند و منتظر باشد تا یک تیم دیگر – آن هم تیمی که سال‌هاست حتی در سایه لیگ برتر هم نیست – بیايد و با بردن جام، زمینه‌ساز صعود سرخ‌ها شود، بدون آنکه خودش به جایی برسد.

■ **قانون و اما و اگرهایش**

البته اینجا همه روی کاغذ است. مجوز حرفه‌ای نگرفتن، خودش هفت خان دارد. فدراسیون، کنفدراسیون، کمیته مجوزها و هزار جای دیگر باید تأیید کنند ملوان اجازه حضور در آسیا را ندارد. تجربه هم می‌گوید در فوتبال ما، همیشه همه چیز دقیقه ۹۰ حل یا پیچیده می‌شود. پس تا زمانی که سوت پایان فصل به صدا درنماید، هیچ چیز قطعی نیست.

■ **پایان‌بندی؛ به شرط معجزه**

در نهایت، ماجرا این است: سرنوشت پرسپولیس دیگر دست خودش نیست فقط باید برود و دعا کند. دعا برای برد استقلال، دعا برای قهرمانی ملوان، دعا برای شکست سپاهان و دعا برای اینکه کمیته‌های داخلی و خارجی، طبق قانون همه چیز دقیقه ۹۰ حل یا پیچیده می‌شود. پس تا زمانی که سوت پایان فصل به صدا درنماید، هیچ چیز قطعی نیست.



شانس حضور در جام‌جهانی را داشته باشد. در این صورت، همان پول از فیفا را شاید بشود از مسیر دیگری گرفت؛ بدون اینکه نیمکت طلایی بشود.

ضمن اینکه، اگر قرار باشد با گندوز قطع همکاری صورت گیرد، پرسپولیس باید برای فسخ قرارداد هم پول بدهد. یعنی اینجا دیگر ماجرا از «رزش دارد یا نه» به «چقدر تالان دارد» تغییر شکل می‌دهد.

■ **کار تال و باشگاه؛ ۲۵۰ صا در یک ارکستر ناهم‌نواز**

از یک سو، کارتال دنبال دروازه‌بان جدید است. از سوی دیگر، مدیران باشگاه چشم به دلارهای فیفا دوخته‌اند. شاید هم حق دارند؛ در اقتصادی که دلار هر روز ارزشش را بیشتر نشان می‌دهد، گرفتن حتی ۲۰۰ هزار دلار، شصیه قهرمانی در یک تورنمنت آسیایی است.

اما در فوتبال، هر تصمیم ازمی، یک بُعد فنی دارد. گندوز اگر قرار نیست بازی کند، ماندنش توجیهی ندارد؛ حتی اگر پاداش بگیرد و اگر قرار است بازی کند، پس چرا دنبال دروازه‌بان جدید هستی؟!

■ **پرسپولیس در دوراهی عقل و عاطفه، دلار و دروازه‌بان**
 در نهایت، همه چیز در یک تصمیم خلاصه می‌شود؛ آیا پرسپولیس می‌خواهد بماند یا گندوز، شاید با امید فیفا یا می‌خواهد قید این دل‌خوشی کاغذی را بزند و سراغ چیزی برود که فنی‌تر است، هر چند بی‌پاداش فوری؟ این را دیگر باید مدیرعامل و سرمربی کنار هم تصمیم بگیرند. چون آینده فصل آینده، در گرو همین چند هزار دلاری است که شاید بیايد، شاید هم نه!

[گاتزتا]

به پیش!



[موندودوپورتوو]

چالش نهایی



[اسپورت]

به‌سوی فینال



[کوریره]

بزن بریم!



[اکبپ]

یامال؛ انتظار دار ندمثل مسی باشد

